



## کثرت گرایی دینی از چشم انداز های متفاوت

♦ رضا اسدپور

♦ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین

### ۱. معانی کثرت گرایی و پیشینه تاریخی آن ۱-۱ کثرت گرایی دینی (پلورالیسم)

اصطلاح پلورالیسم دینی «Religious pluralism» به معنای تکثر دینی، کثرت گرایی دینی یا تعدد ادیان می باشد که واژه «Plural» به معنای جمع و کثرت و «ism» به معنای گرایش است که تنها به حوزه دین شناسی منحصر نبوده بلکه در زمینه های گوناگون دیگری همچون فلسفه، سیاست، فرهنگ و غیره به کار می رود در فرهنگ وبستر پلورالیسم کیفیت یا حالت متکثر بودن معنا شده است و نیز نظریه ای مابعدالطبیعی که در آن حقیقت غایی، در مقایسه با نظریه های وحدت گرایی یا ثنویت، از یک یادونوع فراتر است.<sup>۱</sup>

اما با افزودن صفت «Religious» به معنای دینی به آن این اصطلاح در حوزه دین شناسی معنا می یابد که به طور کلی عبارتست از اینکه تاریخ ادیان نمایانگر تعدد سنن و کثرتی از متفرقات هریک از آنهاست. به عبارت دیگر ادیان بزرگ جهان تشکیل دهنده برداشت های متغیر و درک و دریافتهای و واکنش های گوناگون از یک حقیقت غایی و مرموز الوهی اند.<sup>۲</sup>

در توضیح این مطلب قابل ذکر است که ادیان گوناگونی در دنیای کنونی وجود دارند که هر کدام دارای پیروان و معتقدانی هستند که دین خود را بر حق می دانند و مناسک عملی خاص خود را انجام می دهند و هر یک از آن ها دین خود را نجات بخش و موجب رسیدن به رستگاری اخروی می پندارند، به غیر از چهار دین بزرگ توحیدی زردشت، یهودیت، مسیحیت و اسلام، ادیان دیگری نظیر هندویسم، بودیسم، دائویسم آیین سیک و آیین های دیگری در گوشه و کنار دنیا یافت می شوند که هریک به نوعی بر این امر پا می فشارند. گذشته از تفاوت های ظاهری

میان اعتقادات دینی پیروان ادیان تشابهاتی را می توان هم در جنبه های عملی مانند نحوه بجا آوردن مناسک دینی و هم در جنبه های نظری و اعتقاد به عالم دیگر و ... یافت. بنا بر نظریه کثرت گرایی، ادیان گوناگون حتی اگر پاسخ ها و واکنشهایی گوناگون نسبت به واقعیت الوهی باشند، همگی می توانند مایه رستگاری، راهایی با کمال نفس پیروان خود شوند.<sup>۳</sup> بنیانگذار این اندیشه در این باره چنین می گوید:

«منظورم از پلورالیسم دینی این دیدگاه است که می گوید باورهای دینی بزرگ جهان، از درون راههای فرهنگی متنوع و عمده انسان بودن، دربردارنده تصورات و ادراکات گوناگونی از حقیقت با غایت بوده، و در نتیجه آن نیز عکس العملهای مختلفی نسبت به آن دارند، و نیز اینکه در داخل هریک از سنت های دینی مزبور، دگرگونی و تحویل وجود انسانی از خود محوری به حقیقت (خدا) محوری به وقوع می پیوندد. و این به وقوع پیوستن نیز، تا آنجا که مشاهده انسانی می تواند گواهی دهد، در همه آنها در همان حدود و اندازه می باشد. بدین ترتیب، سنت های دینی بزرگ را باید به عنوان «فضاهای» آخرت مدارانه ی جایگزینی دانست که در درون آنها، ویا راههایی، که در طی آنها، زنان و مردان عالم می توانند به نجات، راهایی، یا کمال دست پیدا کنند»<sup>۴</sup>

بر طبق یک دسته بندی پلورالیسم حداقل چهار کاربرد مختلف دارد:

۱. پلورالیسم مترادف و منطبق با (Tolerance) (تسامح) می باشد که به معنی مدارا و همزیستی مسالمت آمیز برای جلوگیری از جنگها و

تخاصمات است.

۲. پلورالیسم، دین واحدی است که از طرف خداوند آمده و چهره هایی مختلف دارد. اختلاف در جوهر ادیان نیست بلکه در فهم دین است.

۳. حقایق کثیرند و ما حقیقت واحد نداریم. عقاید متناقض صرف نظر از اختلاف فهم های ما، همه حقیقت هستند.

۴. حقیقت، مجموعه ای از اجزاء و عناصری است که هر کدام از این عناصر و اجزاء در هر یک از ادیان یافت می شوند. بنابراین ما هیچ دین جامعی نداریم بلکه مجموعه ای از ادیان داریم که هر یک سهمی از حقیقت دارند.<sup>۵</sup>

نکته قابل توجهی که کیت یندل در این باره تذکر می دهد این است که کثرت ادیان با کثرت گرایی متفاوت است. چرا که اولی یک واقعیت خارجی است یعنی ادیان مختلف در جهان وجود دارند اما دیگری یک نظریه الهیاتی یا فلسفی است که می خواهد آن تکثر واقعی ادیان را توضیح دهد.<sup>۶</sup>

جان هیک نگرشهای موجود در باره تنوع ادیان را به سه دسته تقسیم کرده است که عبارتند از:<sup>۷</sup>

۱. کثرت گرایی (Pluralism)

۲. انحصار گرایی (Exclusivism)

۳. شمول گرایی (Inclusivism)

پیش از پرداختن به مبانی نظریه وی، دو دیدگاه دیگر را به طور اجمالی از نظر می گذرانیم.

۱-۲ انحصار گرایی: (Exclusivism)

این دیدگاه بر آن است که رستگاری، راهایی، کمال یا هر چیز دیگر که هدف نهایی دین تلقی

نظریه ی پلورالیزم دینی در جهان مسیحیت غرب شکل گرفته و رواج یافته است. و می توان آن را نوعی واکنش نسبت به نظریه انحصار گرایی دینی قلمداد کرد.

« کثرت گرایی دینی نتیجه تلاشی است برای به وجود آوردن مبنایی درالهیات مسیحی برای تسامح و تحمل ادیان غیر مسیحی. به همین دلیل کثرت گرایی دینی عنصری است در گونه ای از تجدید یا لیبرالیسم دینی»<sup>۱۸</sup>.

اصطلاح «لیبرالیسم» را نخستین بار برای یک ایدئولوژی سیاسی در اواخر قرن نوزدهم در اروپا بکار بردند و در همان دوره و همان جا بود که نهضت مربوط به الهیات که بانی مؤسس آن فردریخ شلایرماخر (۱۷۷۸-۱۸۲۴) بود به عنوان پروتستانتیسم لیبرال شناخته شد برای پروتستانتیسم لیبرال می توان چهار ویژگی را بر شمرده که عبارتند از:

۱. تفاسیر غیر متعارف از کتاب مقدس و از اعتقادات را به راحتی می پذیرد، خصوصاً زمانی که این تفاسیر ملهم از توجه به ادعاهای علوم طبیعی و تاریخ باشد.

۲. شکاکیت عام نسبت به تاملات نظری در الهیات.

۳. تأکید بر حمایت دینی از اصول اخلاقی

مردن و اصلاح اجتماعی سازگار با آن اصول

۴. این آموزه که گوهر دین نه در اصول جزئی، شریعت، اجتماع دینی یا مناسک، بلکه در تجربه دینی شخصی نهفته است.<sup>۱۹</sup>

سیر تکاملی از پروتستانتیسم لیبرال به سوی کثرت گرایی دینی به تدریج صورت گرفت. برخی از عناصر کثرت گرایی دینی را می توان در نوشته های فردریخ شلایرماخر یافت، کسی که مهمترین مدعی کثرت گرایی دینی یعنی جان هیک از افکار او متأثر بوده است. به نظر شلایر ماخر، تجربه دینی باطنی، گوهر همه ادیان است. از نظر او کثرت ادیان نتیجه احساسات و تجربیات دینی متنوع است و به همین دلیل همه ادیان در بردارنده حقیقت الهی هستند.

یکی دیگر از بزرگان این سنت که تحت تأثیر افکار شلایرماخر قرار گرفت، رودلف اتو (۱۸۶۹-۱۹۲۷) است. وی در «مهمترین اثرش» امر قدسی» گوهر همه ادیان را قداست دانسته است که نوعی احساس مینوی غیر عقلانی را در بر دارد که به همراه بهت و خوف یا عشق و محبت احساس و تصویری را برای انسان ایجاد می کند که گویی با موجودی که اتو آن را جلال یا جمال اسرار آمیز می نامد مواجه می شود.

شلایرماخر و اتو هر دو مدعی وجود لب مشترک و یا گوهر دین هستند. منشا این تصور را می توان در افکار هگل (۱۷۷۰-۱۸۳۱) یافت. هگل دین را اندیشه ای متعالی تلقی می کرد که

از: کارل بارث، ویلیام آلتون، الوین پلاتینگا و جیمز بورلند.

### ۱-۳. شمول گرایی (Inclusivism)

بر طبق این دیدگاه، یک سنت خاص نمایانگر حقیقت غایی است، در حالی که سایر سنت ها هم به جای آنکه بی ارزش یا شیطانی باشند، نمایانگر جنبه هایی یا در بردارنده رهیافت هایی به حقیقت غایی اند.<sup>۲۰</sup> از یک سو شمول گرایان همانند انحصار گرایان معتقدند که تنها یک راه برای رستگاری وجود دارد که صرفاً در یک دین خاص وجود دارد، که همه افراد می توانند با گردن نهادن به ضوابط مطرح شده در آن دین حق، در طریق رستگاری آن دین گام بردارند. از سوی دیگر همانند کثرت گرایان معتقدند که لطف و عنایت خداوند به شکل های گوناگون در ادیان مختلف تجلی یافته است که می تواند موجب رستگاری پیروان آن ادیان گردد. به این ترتیب شمول گرایی از انحصار گرایی فراتر می رود، زیرا به رغم پذیرفتن این مدعای انحصارگرایانه که دین خاص، حق مطلق است، می پذیرد که پیروان سایر ادیان نیز می توانند رستگار شوند.<sup>۲۱</sup> به عبارت دیگر، شمول گرایی معتقد است حقایق دینی و نجات و رستگاری، از آن دین خاصی است، اما رستگاری و نجات، بواسطه آن دین اصیل، به ادیان دیگری قابل سرایت است، بنابراین در نظریه شمول گرایی، حقایق دینی انحصاری است و هیچ گونه تسری و تعمیمی ندارد.

اما نجات و رستگاری به جهت لطف و عنایت الهی تسری و تعمیم یافته و اتباع سایر ادیان را نیز شامل شده است.<sup>۲۲</sup>

جان هیک در این باره می گوید:

«بهترین تلاش شناخته شده در این راه متعلق به کارل راتر (۱۹۸۴-۱۹۰۴) با مفهوم مسیحی ناشناس می باشد.

آن هایی را که به صورت ظاهری و رسمی به سنت دینی مسیحیت تعلق ندارند، اما آگاهانه و یا ناآگاهانه، در جستجوی حکم و اراده الهی هستند می توان به اصطلاح به عنوان اعضای افتخاری مسیحیت محسوب داشت، و این می تواند در حالی باشد که آنها اصلاً خود را مسیحی نمی دانند، و یا در صورتی باشد که آنان بر غیر مسیحی بودن خویش، و این که مثلاً مسلمان، یهودی، هندو و یا به هر دین دیگری هستند، اصرار می ورزند»<sup>۲۳</sup>.

این نظریه راتر که تحت عنوان «مسیحیان بی نام» نام گرفت، می تواند در ادیان دیگر نیز صادق باشد، کما اینکه در اسلام نیز این نگاه شمول گرایانه را نسبت به «اهل کتاب» می توان یافت.

### ۱-۴. پیشینه و خاستگاه پلورالیزم دینی

می شود، منحصر در یک دین خاص وجود دارد. یا از طریق یک دین خاص بدست می آید.

هر چند که ادیان دیگر نیز حامل حقایقی هستند، اما منحصرأ یک دین حق وجود دارد. بنابر این پیروان سایر ادیان، حتی اگر دینداران اصیل و درستکاری باشند، نمی توانند از طریق دین خود رستگار شوند و لازم است که به تنها دین حق روی آورند.<sup>۲۴</sup>

هر چند که در یک نگاه کلی ذات ادیان همواره با نوعی انحصارگرایی همراه بوده است، ولی باید خاطر نشان ساخت که تعالیم بعضی از ادیان بیش از ادیان دیگر در گسترش این دیدگاه مؤثر بوده است.<sup>۲۵</sup> برای مثال در میان مسیحیان این دیدگاه با تأکید بر برخی آیات انجیل یوحنا مانند: «هیچ کس به پدر راه نمی یابد مگر از طریق من» (انجیل یوحنا، باب ۱۴، آیه ۶) از حدود قرن سوم میلادی به صورت این عقیده جزئی شکل گرفت که «در بیرون از کلیسا، رستگاری نیست». این انحصارانگاری همچنان تأیید و تقویت یافت؛ و از طریق این تلقی که فقط مسیحیان می توانند رستگار شوند، سلسله جنبان نهضت های تبلیغی. تشریری در قرن های هجدهم و نوزدهم شد.<sup>۲۶</sup>

چنان که در حرکت میسیونری قرن نوزدهم پروتستان شعار «بیرون از مسیحیت، هیچ نجاتی تصور نیست» مطرح می شود، و این نجات و مغفرت الهی حاصل از قربانی شدن عیسی بر صلیب است و مستلزم ایمان به مسیح می باشد، و از این منظر طبیعی است که چنین رستگاری و نجاتی فقط به جامعه مسیحیان عالم محدود می باشد.<sup>۲۷</sup>

به همین ترتیب این نظریه را در میان مسلمانان که صاحب آخرین و کاملترین دین هستند و نیز یهودیان که به هويت انحصاری قومی خود به عنوان امت برگزیده خداوند دلخوش اند و هندوها که به وداها به عنوان سندی جاودانه و دارای احکام و ارزش مطلق احترام می گذارند و بودایی ها که تعالیم گوتاما بودا را همواره به عنوان دارما تنها طریقتی می دانند که می تواند انسانها را از توهم و بدبختی نجات دهد و همچنین در سایر مکاتب می توان یافت.<sup>۲۸</sup>

به اعتقاد بسیاری از انحصار گرایان، رستگاری صرفاً در گرو لطف و عنایت الهی است لذا لازمه آن، این است که پی ببریم نیروی رستگاری بخش الهی در کجا متجلی شده است. و هنگامی که فهمیدیم خداوند غایب منحصراً به فرد خویش را واقعا در کدام دین متجلی کرده است راه رستگاری را یافته ایم.<sup>۲۹</sup>

چهار تن از متکلمان مسیحی که در این خصوص به نظریه بردازی پرداخته اند عبارتند

به حالت‌های مختلف در طول تاریخ شکوفا می‌شود.<sup>۱۰</sup>

اگر ریشه‌های کثرت‌گرایی را به عنوان نوعی واکنش به انحصارگرایی مسیحی دنبال کنیم، به دوران قرون وسطی باز می‌گردیم که اوج سلطه انحصارگرایی بوده است و این جریان تا دوران معاصر نیز در فلسفه دین و کلام جدید مسیحیت امتداد می‌یابد. و می‌توان براهین جدیدی را در اثبات این تفکر در آثار متکلمانی نظیر کارل بارث (۱۸۸۶ - ۱۹۶۸) و کارل راتر (۱۹۰۴ - ۱۹۸۴) مشاهده کرد. «به دلیل آسیب‌های مختلف ناشی از انحصارگرایی از قبیل نص‌گرایی افراطی، تعارض علم و دین، بحران معنویت در مسیحیت، عدم پاسخ‌گویی دین به مسائل بشری، مشکلات معرفت‌شناختی دین و برخی مسائل مشابه دیگر، گرایش به تکثرگرایی دینی و اندیشه‌های کثرت‌گرایانه به عنوان انقلاب کپرنیکی در الهیات خوانده شده است»<sup>۱۱</sup>.

لازم به ذکر است که هرچند گرایش به تکثرگرایی در مسیحیت جدید روی داده است اما بازه‌هایی از آن را می‌توان در گذشته تاریخی مسیحیت مشاهده کرد، چنانکه یانیس مسکینوس از نخستین کسانی بوده که ایده‌ی تفاهم و تبادل ادیان را مطرح کرده است، یا یوحنا دمشقی در سده‌های هفتم و هشتم هجری کتاب‌هایی در این زمینه به تحریر درآورده است.<sup>۱۲</sup>

حتی می‌توان اندیشه وحدت ادیان و دارا بودن یک حقیقت واحد توسط آنان را پیش از جان هیک در آثار لسینگ، شلایر ماخر، امرسون، اتو و توین بی مشاهده کرد.<sup>۱۳</sup>

در میان متفکران مسلمان نیز می‌توان تقدم این اندیشه را در کتاب «وحدت متعالی ادیان» فریتویف شوان دریافت که در فصول بعدی به این نکته خواهیم پرداخت.

فیلیپ کوپین سه عامل را زمینه‌های ظهور کثرت‌گرایی دانسته است که عبارتند از:

۱. خستگی و سرخوردگی مسیحیان از جنگ‌های مذهبی و احساس همدلی با یهودیان آزار دیده و در پیش گرفتن نوعی تساهل و تسامح در رفتار با پیروان ادیان دیگر
۲. گسترش مطالعات ادیان در جامعه مسیحی قرن بیستم و تاکید بر وجوه اشتراک فراوان میان مسیحیت و اسلام و نیز سایر ادیان.
۳. همزیستی مسالمت آمیز پیروان ادیان مختلف در کشورهای غربی، بدون در نظر گرفتن اختلافات مذهبی.<sup>۱۴</sup>

شایان ذکر است که در بررسی مبانی معرفتی پلورالیسم در غرب عوامل دیگری نیز قابل توجه اند که از بیان آنها در این قسمت صرف نظر کرده و به فصل بررسی نظرات جان هیک واگذار خواهد شد. اما نکته‌ای که در اینجا جا دارد به آن

اشاره شود این است که زمینه‌ها و خاستگاه‌های مسیحی کثرت‌گرایی مختص جهان غرب است نه جهان اسلام و اسلامی کردن پلورالیسم با ریشه‌های غیر اسلامی آن موجب خلط مضامین می‌گردد. اگر در اسلام از پلورالیسم سخن گفته می‌شود، اساساً و ماهیتاً تعبیر دیگری از آن مراد است، و ریشه‌های مسیحی گونه آن را باید از آنچه در اسلام مورد قبول است جدا کرد. توجه نکردن به این موضوع مغالطاتی را پدید آورده است.<sup>۱۵</sup>

## ۲. بررسی نظریه کثرت‌گرایی (پلورالیسم) دینی از منظر جان هیک

### ۱-۲. جان هیک کیست؟

جان هاروود هیک در سال ۱۹۲۲ در اسکاربوری بورگشایر انگلستان به دنیا آمد و نخستین آموزش‌های دین را در حلقه کشیشان پرسبیتری فرا گرفت اگرچه آنگونه که خود وی نقل می‌کند در آغاز زندگیش به رهیافتی مطلق‌گرا از مسیحیت گرایش داشت، اقامت در ادینبورگ و ایجاد فرصت پژوهش و مطالعه در فلسفه دین و دیدار با پیروان ادیان دیگر در آن سامان بعدها در آکسفورد ذهنیت وی را تغییر داد. وی در سال ۱۹۴۰ به کلیسای پروتستان در انگلستان پیوست.

اگر ریشه‌های کثرت‌گرایی را به عنوان نوعی واکنش به انحصارگرایی مسیحی دنبال کنیم، به دوران قرون وسطی باز می‌گردیم که اوج سلطه انحصارگرایی بوده است و این جریان تا دوران معاصر نیز در فلسفه دین و کلام جدید مسیحیت امتداد می‌یابد

نخست در دانشگاه هال به تحصیل حقوق پرداخت و پس از گذراندن مدتی از خدمت سربازی اش در یک واحد آمبولانس طی جنگ جهانی دوم برای تحصیل و مطالعه فلسفه به دانشگاه ادینبورگ رفت و سپس در دانشگاه آکسفورد با راهنمایی پرایس موفق به اخذ دکتری فلسفه گردید. هیک در سال ۱۹۵۳ رسماً به کسوت کشیشان پرسبیتری در آمد و مدت سه سال به عنوان کشیش خدمت نمود. قبل از اینکه به استادی دانشگاه الهیات در کمبریج منصوب شود، به ترتیب در دانشگاه کورنل و پس از آن مدرسه علوم دینی پرینستون در ایالات متحده به تدریس پرداخت. در همین مدرسه بود که اندیشه‌های کثرت‌گرایانه دینی و الهیات آزاد منشانه وی موجی از مناقشه‌ها و بحث‌ها را برانگیخت.

هیک در سال ۱۹۶۷ به استادی دانشگاه

بیرمنگام انتخاب گردید و مدت ۱۵ سال کرسی فلسفه دین را در این دانشگاه در دست داشت و به‌طور همزمان در **Claremont Graduate School** در کالیفرنیا نیز تدریس کرد و در ۱۹۸۲ به مقام استادی تمام وقت همین مدرسه نائل شد.

او در طی این دوران چه به لحاظ دانشگاهی و چه از نظر ارتباطات محلی و اجتماعی تاثیر بسزایی بر پیرامون خود گذاشت. وی تاکنون سخنرانی‌های زیادی در سطح جهان انجام داده و کتاب‌ها و مقالات بیشماری در باب فلسفه دین، کثرت‌گرایی دینی، معنای حیات، گفتگوی ادیان، اخلاق جهانی، رهایی و رستگاری و ... نگاشته است. جان هیک هم‌اینک عضو، مؤسس پژوهش‌های پیشرفته در هنر و علوم اجتماعی در دانشگاه بیرمنگام است.

عناوین کتاب‌های منتشر شده از وی عبارتند از:

۱. خداوند نام‌های بی‌شماری دارد، ۱۹۸۰
۲. بشر و خدای عشق ۱۹۸۵
۳. خوانش‌های کلاسیک و معاصر در فلسفه دین، ۱۹۸۹
۴. فلسفه دین ۱۹۸۹
۵. مسائل پلورالیسم دینی
۶. تفسیری از ادیان: پاسخ‌های انسانی به امر متعالی ۱۹۸۹
۷. خدا و جهان ادیان، ۱۹۹۳
۸. بعد پنجم ۱۹۹۹
۹. استعاره خداوند متجدد ۱۹۹۳
۱۰. گفتگوهایی در فلسفه دین ۲۰۰۱
۱۱. جان هیک، یک زندگی نامه خود نوشت ۲۰۰۳

اکنون با دیدگاه‌های او در باب کثرت‌گرایی دینی بیشتر آشنا می‌شویم.<sup>۱۶</sup>

### ۱-۲. تبیین مبانی نظریه کثرت‌گرایی دینی

#### جان هیک

هیک در کتاب «خداوند نام‌های بیشماری دارد» این پرسش را که چگونه می‌توان حقانیت برابر همه ادیان را پذیرفت؟ مطرح می‌کند و به تدریج به ایده کثرت‌گرایی دینی نزدیک می‌شود تا اینکه در سال ۱۹۷۳ با نگارش کتاب «خداوند و جهان ادیان» دیدگاه‌های خود را در این زمینه پایه‌ریزی می‌کند. به نظر وی باید به ادیان جهان چون پاسخ‌های متعدد انسان به واقعیه الهی نگریست. این دیدگاه بطور کامل تر در کتاب «تفسیری از دین» مشاهده می‌شود. به نظر وی باید ادیان را در متن فرهنگ و تاریخی که ظهور و گسترش یافته‌اند بررسی کرد. هیک برای اینکه پاسخی به چرایی تفاوت‌های اعتقادی و بنیادی ادیان بیابد، به دو نکته اشاره می‌کند. اول اینکه خداوند یا امر مطلق، نامتناهی و فراسوی فهم ماست. و دوم آنکه وقتی به نیایش‌های

جنبه از کل واقعیت اشاره می کنند و ادراک خود را در قالب تمثیل های بسیار ناقص بیان می کنند و در واقع ذهن آنها نموده هایی ناقص از حقیقت را ادراک می کند.<sup>۱۴</sup>

هیچ مدعی است که الگوی معرفت شناسی کانت تنها منحصر به تجربه های حسی نیست، و شامل تمام تجربه های دینی نیز می شود. وی هر سنت دینی را شیوه ای از تجربه کردن امر الوهی می داند. در این تجربه، نظام مفاهیم و ادراکات و متون مقدس و زمینه های فرهنگی و اجتماعی در مجموع عینک خاصی را تشکیل می دهند که از طریق آن، واقعیت الهی به شیوه ای خاص ادراک می شود.

مفهوم خدا در سنت مسیحی به عنوان پدر و در یهودیت به عنوان یهوه و در اسلام به عنوان الله و در سنت های هندی به عنوان ویشنا، همگی تجلیات واقعیت الوهی در آگاهی بشرند.

## ۲-۵. تجربه دینی از دیدگاه هیگ

موضوع تجربه دینی در دو قرن اخیر نزد فیلسوفان دین غربی مورد توجه فراوانی قرار گرفته است و سرچشمه های آن را می توان در اندیشه های شلایر ماخر جست. در تعریف این تجربه می توان گفت که متعلق آن موجود یا حضوری مافوق طبیعی است (یعنی خداوند یا تجلی خداوند در یک فعل) و به نوعی مواجهه فرد با امر قدسی است که می تواند منبع و منشا بصیرت دینی باشد.

ریچارد سویین برن پنج نوع تجربه دینی را مطرح می کند و آنها را بر حسب نحوه تحقیقتان طبقه بندی می نماید.<sup>۱۵</sup> از طریق تجربه دینی، راهی میان انسان و امر قدسی باز می شود. این تجربه، وحی و الهام الهی نیست. این تجربه از طریق زبان عرضه می شود اما به آنچه بیان شده تقلیل نمی یابد. گرچه این تجربه به کمک عقل تبیین می شود اما با مفاهیم و عقلانیت تسخیر نمی شود. تجربه دینی مجرای حضور خدا در زیست - جهان انسان هاست.<sup>۱۶</sup>

در نگرش کلی می توان گفت که در تبیین تجربه دینی چند نظریه اصلی وجود دارد. برخی معتقدند که تجربه دینی از سنخ احساس است و گروهی آنرا ادراک حسی می دانند و عده ای نیز آنرا ادراک مافوق احساس می دانند. دو دیدگاهی که جان هیگ از آنها متأثر بوده است، دیدگاه شلایر ماخر و ویلیام آلتون است. اما خود هیگ بر تأثیر پذیری از نظریه ویتگنشتاین نیز معترف می باشد. آنجا که می گوید:

«جنبه دیگری از کار ویتگنشتاین وجود دارد که به اعتقاد من، دارای تبعاتی سازنده برای فلسفه دین است. این جنبه مربوط به بحث «معرفت باطنی» است... می خواهم عنوان کنم که مطالب مزبور به ما کمک می کند تا شیوه کاملاً متمایز

جهان نسبت به توجیه اعتقاد دین خودشان باهم برابر هستند، توجیهی که به نظر هیگ بهتر است مبتنی بر تجربه دینی باشد.

## ۴. کثرت گرایی دینی حقیقت شناختی:

مبنی بر این اعتقاد است که حقیقت دینی در ادیان غیر مسیحی کمتر از حقیقت دینی در مسیحیت نیست. علی رقم این واقعیت که ادیان دعاوی متناقضی نسبت به حق نجات، درست و نادرست، و یا بایدها و نبایدها، تاریخ و بشر دارند، کثرت گرایان دینی مدعی هستند که همه این اقوال می توانند نسبت به جهان بینی هایی که خاستگاه آن اقوال هستند، صحیح باشند.

## ۵. کثرت گرایی دینی وظیفه شناختی:

بر اساس این رویکرد نیازی نیست که برای اطاعت اوامر الهی حتماً مسیحی باشیم. این نوع کثرت گرایی محوری است برای درک صحیح وظیفه و مسئولیت انسان در مقابل کثرت سنت های دینی جهان.<sup>۱۷</sup>

## ۲-۴. مبنای معرفت شناسی کانت و حکایت فیل در تاریکی

نظریه معرفت شناسی کانت تأثیر خاصی بر نظریه پلورالیزم دینی هیگ نهاده است. وی در چند موضوع مهم از جمله در بررسی تجربه دینی و نیز در تبیین تلقی خاص خود از حقیقت مطلق متأثر از این نظریه می باشد.

کانت معرفت را محصول تجربه و عقل میداند، و معتقد است که معرفت مرکب از ماده و صورت است.

ماده معرفت از طریق تجربه و صورت معرفت از طریق مدارک (ذهن) فراهم می شود. کانت معتقد است برخی فلاسفه قبل از وی قائل بودند به اینکه عقل می تواند «بود» (نومن) اشیا را بشناسد، در حالی که عقل تنها قادر است به شناخت «نمود» اشیا (فونمن) نایل شود.

هیگ سعی کرده است تفکیک نومن و فونمن، کانت را با دیدگاه خود درباره واقعیت مطلق و خدایان ادیان منطبق سازد. وی برای جمع دو دیدگاهی که یکی حق تعالی را موجودی مشخص و دیگری او را کاملاً نامشخص می داند، به تبیین تفاوت واقعیت فی نفسه (نومن) با واقعیت آن چنان که انسان ها درک می کنند (فونمن) می پردازد.

هیگ برای تقریب مطلب از تمثیل معروف «فیل و مردان کور» استفاده می کند که در آن یکی از آن ها پای فیل را لمس می کند و آنرا ستونی بزرگ می پندارد، دیگری خرطوم فیل را به دست می گیرد و آنرا ماری بزرگ تصور می کند و سومی عاج فیل را لمس می کند و آنرا شبیه تیغه گاو آهن می پندارد و... به نظر هیگ همه آن ها درست می گویند، اما هر کدام به یک

سنت های دینی متفاوت نظر می کنیم، نوعی هم پوشانی و هم آمیزی بین آنها می یابیم. بنابراین روایات متعدد از واقعیت الهی درست هستند، به رغم اینکه همه آنها در تمثیل ها و قیاس های ناقص بیان شده اند و هیچکدام حقیقت کامل نیستند. او مانند مایستر اکهارت میان خداوند و امر الوهی قائل به تفکیک می گردد. بر این اساس در کتاب «خداوند نام های بی شماری دارد» معتقد است که امر الوهی یا الوهیت تنها یکی است اما در زمینه های فرهنگی متعدد، نمود های گوناگونی داشته است.

هیگ فلسفه دین خود را بر مبنای اصل حقیقت محوری که همان امر قدسی یا الوهی باشد، استوار می سازد. به نظر وی فلسفه وجودی همه ادیان فرا رفتن از خود محوری به سوی حقیقت محوری است. از این رو هر دینی که معتقدان خود را بدین حقیقت رهنمون سازد، از حقیقت برخوردار است.

به طور خلاصه دیدگاه کثرت گرایان جان هیگ را می توان بدین گونه طبقه بندی کرد:

۱. واقعیتی الهی یا «امر واقع در خود» وجود دارد که منبع غایی همه تجربه های دینی بشر است.

۲. هیچ سنت دینی، دریافت مستقیمی از «امر واقع در خود» ندارد.

۳. هر سنت دینی شیوه اصیلی ارائه می دهد که در آن «امر واقع در خود» دریافت و تجربه می شود.

۴. «امر واقع در خود» از هر توصیفی چه مثبت و چه منفی فراتر می رود.

۵. دریافت های هر دینی از «امر واقع در خود» لزوماً تاریخی، فرهنگی بوده و به تبع آن محدود و ناقص است.<sup>۱۸</sup>

## ۲-۳. انواع کثرت گرایی دینی

کثرت گرایی دینی جان هیگ چند وجه دارد، که عبارتند از:

۱. کثرت گرایی دینی هنجاری یا اخلاقی. بدین معنا که وظیفه اخلاقی مسیحیان این است که پیروان ادیان غیر مسیحی را محترم بشمارند.

۲. کثرت گرایی دینی نجات شناختی یعنی اینکه غیر مسیحیان می توانند به نجات عیسوی نائل شوند، هیگ بجای آموزه مسیحیت درباره نجات، به برداشت عامتر و مجردتری دست یافت که بر اساس آن نجات صرفاً تحولی انسانی محسوب می شود و وقوع آن زمانی است که انسان از زندگی خود محورانه به زندگی خدا محورانه ای معطوف شود.

۳. کثرت گرایی دینی معرفت شناختی: این رویکرد با مسئله توجیه اعتقادات دینی ارتباط دارد، با این نظر که پیروان ادیان بزرگ

نمادین و اسطوره ای است و معنای حقیقی ندارد.

۱۰. نظریه پلورالیزم دینی، زمینه و بیان خوبی برای جهانی شدن و الهیات جهانی و هم چنین تساهل و تسامح ادیان است.<sup>۳۶</sup>

۲-۸. طرح نظریه تکثر گرایی در ایران چنانکه پیش تر اشاره شد خاستگاه این اندیشه در فضای مسیحیت است که به شکل جدی در نیمه دوم قرن بیستم مطرح می شود. در ایران نیز این اندیشه در نیمه دوم قرن بیستم توسط آقای دکتر میمندی نژاد عنوان می شود.<sup>۳۷</sup> همچنین آیت الله شیخ مجتبی قزوینی خراسانی در رساله « بیان الفرقان فی نبوه القرآن » که در حدود نیم قرن پیش نوشته شده است از کیوان قزوینی به عنوان شخصی نام می برد که در آن دوره تئوری « صراطهای مستقیم » و نفی عقاید و احکام از گوهر دین را در روند تلفیق لیبرالیزم با صوفی گری ترویج می کرده است.<sup>۳۸</sup>

اما شیوع جدی تر این نظریه در ایران با ترجمه کتاب های فلسفه دین و مباحث پلورالیزم دینی از جان هیک و تألیف کتاب « صراطهای مستقیم » از دکتر عبدالکریم سروش صورت گرفته است. طرح این نظریه در ایران موافقان و مخالفانی را برانگیخته است. و در چند سال اخیر مقالات و کتاب هایی در رد یا تأیید آن منتشر شده اند.

از آنجا که مقاله « صراطهای مستقیم » سروش نوعی بومی سازی نظریه پلورالیزم دینی جان هیک می باشد که با مثال هایی از شعر و قرآن و عرفان همراه شده و در واقع امتداد تجربه های قبلی اشخاصی نظیر محمد آرکون و فضل الزحمان در شمال آفریقا و شبه جزیره هند می باشد؛<sup>۳۹</sup> در اینجا بی مناسبت نیست که با نگاهی اجمالی ده استدلالی را که وی در این مقاله در توجیه دیدگاه خویش آورده است از نظر بگذرانیم.

۲-۹. ده استدلال بر کثرت گرایی دینی در مقاله « صراط های مستقیم »

۱. تکثر فهم دینی، و برداشت های مختلف

از متن دینی

۲. تنوع و تعدد تفسیر تجربه های دینی که فروناکاستنی به وحدت است.

۳. اختلافات فرقه ها و ادیان نوعی بازی زرگری و نعل وارونه زدن و در نهایت القای حیرانی و باز نهادن مجال برای رازدانان و باطن بینان برای دست یافتن به گنج مقصود است.

۴. با استناد به شعر مولانا سر فرقه فرقه شدن مذاهب و تعدد و تکثر ادیان نه انباشته شدن ضلالت بر ضلالت که غرقه شدن حقیقت در حقیقت است.

۵. در طریق طلب، طالبان صادق را به هر نامی و تحت هر لوایی و در هر مسلک و مذهبی دوردور دستگیری می کنند و به مقصد می

می گردد.

به نظر هیک، گزاره های ناظر به واقعیت غایی در واقع استعاراتی هستند که اعتبارشان منوط به کار آبی آنها در متحول کردن و رستگار نمودن انسان هاست و از آن رو در سنت دینی محفوظ مانده اند که همواره برای بسیاری از افراد، معنادار و مهم بوده اند.

هیک معتقد است که آموزه ها گوهر دین نیستند، گوهر دین متحول کردن شخصیت انسان هاست. به همین دلیل او هشدار می دهد که آموزه ای دینی (نظیر تجسد) را نباید بیش از حد مورد تاکید قرار داد. عقاید دینی و مدعیات تاریخی را باید تلاش هایی برای پاسخ دادن انسان ها به پرسش هایی درباره حیات و تجربه امر الهی دانست. به عبارت دیگر هیک بیش از آنکه به حقایق کلامی تعلق خاطر داشته باشد به جنبه های وجودی و تحول آفرین دین تعلق خاطر دارد بدین سبب که حیات خود - محورانه انسان را به حیاتی خدا - محورانه تبدیل می کند. بنابر این اعتقادات فرد چندان اهمیت ندارد چراکه نوعی فرا فکندن تجربیات، فرهنگ و مقولات فاهمه ی آن فرد در قالب اسطوره ها، بر واقعیت غایی هستند. آنچه مهم است این است که واقعیت مطلق ما را چنان تحت تاثیر قرار دهد که منحول شویم.<sup>۴۰</sup>

۲-۷. عناوین مشخصه های اصلی نظریه جان هیک

دکتر سید حسن حسینی در کتاب « پلورالیزم دینی یا پلورالیزم دودین »، اصول و محورهای نظریه کثرت گرایی دینی جان هیک را در قالب ده گزاره دسته بندی کرده است که عبارتند از:

۱. گزاره ها، باور ها و اعتقادات دینی معنادار و اثبات پذیرند.

۲. هرگونه تلاش در جهت دسته بندی ادیان، مخدوش، غیر واقعی و پذیرفتنی است.

۳. ادیان دینی، محصول « تجربه آنگونه » دینی انسان است.

۴. تمامی تجارب دینی بشر ( مثل تجارب دیگر )، « به مثابه » ای و « تفسیر شده » است.

۵. وحی، انتقال حقایق، باورها یا گزاره های خاص از طرف خداوند متعال به انسان یا انسان هایی خاص محسوب نمی گردد.

۶. ظهور و تجلیات واقعیت مطلق بر انسان، پدیدارهای آن واقعیت است که به صورت خدایان تجلی می یابد.

۷. نجات به معنای تبدل از خود محوری به خدامحوری است.

۸. ضرورت هدایت عام الهی، و فطرت انسان و گرایش ذاتی او به دینداری، مستلزم پذیرش نظریه پلورالیزم دینی است.

۹. نظریه حلول و تجسد در مسیحیت، صرفا

تجربه حیات بر پایه دین را به عنوان شکلی از آنچه که من « معرفت باطنی » خواهم خواند، روی نقشه معرفت شناسی قرار دهیم. و نیز به ما کمک خواهد کرد تا اعتقاد دینی را، در بنیادی ترین معنای آن، به صورت عنصر تفسیری در درون این شیوه متمایز دینی تجربه حیات مورد توجه قرار دهیم.<sup>۴۱</sup>

هیک با مبنا قرار دادن نظریه « دیدن » و یگانگشتاین آنرا به کلیه حوزه های تجربه حسی و سپس فرا حسی تعمیم داده و از آنجا به تبیین ساختار تجربه دینی پرداخته است.

هیک تجربه دینی را به معنای انتقال آگاهی و ادراک معینی می داند که در اثر مواجه روح انسانی با حقیقت مطلق حاصل گردیده است. وی تجربه عرفانی را نیز مواجه و ارتباط فرد از طریق کشف و شهود با وجود متعال می داند. نگرش هیک درباره وحی و ادیان دینی نیز دقیقا منطبق بر نظریه تجربه دینی است.<sup>۴۲</sup>

عناصری در تبیین نظریه تجربه دینی وجود دارد که از دیدگاه هیک منجر به پذیرش پلورالیزم دینی می شود. قول به معانی متعدد ذهنی، تجارب متنوع دینی، تفاسیر مختلف تجارب، تجارب به مثابه امری بشری، و نهایتا نظریه ایمان هیک دال بر چیزی جز پذیرش تکثر دینی نیست.<sup>۴۳</sup>

هیک دیدگاه استیون تی کتز را درباره کثرت نهایی تجربه های دینی می پذیرد، کتز اشاره می کند که تجربیات عرفا غالبا بسیار مخصوص است و بیشتر از ساختارهای جزئی و تفصیلی باوردردرون سنت هایی که این تجربیات منبث از آن هستند حمایت می کنند.

طبقه بندی هایی که تجربیات دینی را طوری تقسیم می کنند که می توان چند گونه تجربه دینی مشترک در میان ادیان پیدا کرد. هیک بر این اساس مدافع نوعی کثرت گرایی است که آن همه این کثرت ها را به گونه ای تلفیق کرده و توضیح می دهد که منشا همه این تفاوت ها و کثرت ها، شیوه های متفاوت تفکر و تأمل حقیقت نهایی است.<sup>۴۴</sup>

۲-۶. واقعیت مطلق و گوهر و صدف دین

هیک واقعیت مطلق را موجودی می داند که بالاتر از هر وجود و موجودی است. بنابر این ذات متعال به کشف و شهود انسانی در نمی آید و آنچه افراد انسانی تجربه می کنند ظهور است و تجلیات آن است نه خود آن. پس واقعیت مطلق قابل شناخت نیست و آنچه به ادراک و تجربه بشری در می آید بر داشت انسانی از واقعیت مطلق است نه نفس آن. وی تشابهات فراوان ادیان را نشان آن می داند که همه ادیان یک واقعیت مطلق را تجربه می کنند و اختلاف ادیان به نوع تجربه آنها و پدیدار شدن امر مطلق مربوط

عالم وجود هستند. خداوند دین بلکه ادیان را بر مبنای عرفان آنان بنیاد نهاده است.<sup>۴۸</sup> مولوی در « فیه مافیہ » می گوید: « اگر راه ها مختلف است، اما مقصد یکی است، نمی بینی که راه کعبه بسیار است. بعضی راز را از روم است و بعضی راز از شام و بعضی را از چین و بعضی راز را دریا از طرف هندویم، پس اگر در راه ها نظر کنی اختلاف، عظیم و مباینیت، بی حد است.

اما چون به مقصود نظر کنی همه متفق اند و یگانه و همه را درون ها به کعبه متفق است و درون ها را به کعبه ارتباطی و عشقی و محبتی عظیم است که آن جا هیچ خلاف نمی گنجد. آن تعلق نه کفر است و نه ایمان. یعنی آن تعلق مشوب نیست به آن راه های مختلف که چون آن جا رسیدند آن مباحثه و جنگ و اختلاف که در راه ها می کردند که این او را می گفت که تو باطلی و کافری و آن دگر این را چنین نماید، اما چون به کعبه رسیدند، معلوم شود که آن جنگ در راه ها بود و مقصود یکی بود.

اکنون مسجد الحرام، پیش اهل ظاهر آن کعبه است که خلق می روند و پیش عاشقان و خاصان مسجد الحرام، وصال حق است...<sup>۴۹</sup> گفتار عارفان در این خصوص فراوان است که مجال نقل همه آنها در این مقاله نیست نتیجه ای که از این بخش حاصل می شود این است که عارفان علاوه بر اینکه در کامل ترین تجلی حق یعنی دین اسلام حقیقت را شاهدند اما جلوه های دیگری از حقیقت را در ادیان دیگر نیز می بینند و به عبارت دیگر حقیقت همه ادیان را یک چیز می دانند که در اسلام به شکل کاملتری جلوه گر می باشد.

### ۳-۲. کثرت گرائی از منظر سنت گرایان (حکمت خالده)

سنت گرائی جریانی است که در قرن بیستم توسط رنه گنون، آناندا کومارا سوامی و فریتزوف شوان شکل گرفت و اکنون با کوشش چهره هانی همچون سید حسین نصر، تیتوس بورکهارت، مارتین لینگز و... بسط و توسعه می یابد این مکتب تحت عنوان « حکمت خالده » یا « جاودان خرد » نیز نامیده می شود.

سنت گرائی در این معنا دارای مبادی مابعدالطبیعی و انسان شناختی و اخلاقی خاصی است و برای انسان به عنوان خلیفه خدا جایگاه والایی قائل است.

« برداشت مورد قبول سنت گرایان از کثرت گرائی دینی برداشت خاصی است که علی الخصوص از بعد از انتشار کتاب بسیار مهم و موفق شوان به نام « وحدت متعالی ادیان » به نام نظر « وحدت متعالی ادیان » خوانده می شود. لب این نظر این است که در چارچوب هر دین

ادیان دیگر پدید آورده.<sup>۵۰</sup> به همین دلیل آشنائی با دیدگاه بعضی از عارفان در این خصوص خالی از لطف نیست. با این توضیح که عارفان مسلمان جملگی بر حقانیت و اکملیت اسلام تأکید می ورزند. اما از پوسته دین که گذر می کنند و به عالم معنی می رسند. سایر ادیان را خالی از معنی نمی بینند، هم از این روست که با تسامح و بلند نظریه به آنان می نگرند.

### عارف در سیر خویش از عالم

کثرت ها به سوی وحدت سیر می کند و از جزئی به کلی می رسد، و چون چشم وحدت بین می یابد تمامی صور جهان و نیز صور دینی را در پرتو وحدت حق مشاهده می کند و از این روست که بر شعار « الطرق الی الله بعدد الانفاس الخلاق » تأکید می ورزد

ابوالحسن خرقانی عارف بزرگ قرن چهارم و پنجم گفت: « بر سر در خانقا هم بنویسید، هر که در این سرا در آمد نانش دهید و از ایمانش بپرسید، آن که به درگاه حق به جان آرزو به سفره ابوالحسن به نان آرزو. »

عین القضاة همدانی می گوید: « همه مذاهب را یا اغلب را اصل راست بوده است و به روزگار مخرف گشته است.<sup>۵۱</sup> »

« ای دوست، اگر آنچه نصاری در عیسی دیدند تو نیز بینی ترسا شوی و اگر آنچه جهودان در موسی دیدند تو نیز بینی جهود می شوی... هفتاد و دو مذهب جمله منازل راه خدا آمد.<sup>۵۲</sup> »

« اگر مذهبی مرد را به خدا می رساند آن مذهب اسلام است و اگر هیچ آگاهی ندهد طالب را به نزد خدای تعالی آن مذهب از کفر بتر باشد.<sup>۵۳</sup> »

عین القضاة پیامبر اکرم (ص) را برترین و نور وجود او را کامل ترین پرتو می داند: « انتها واتصال جمله سالکان به نور مصطفی است.<sup>۵۴</sup> »

ابن عربی که در پرتو عشق همه راهها را منتهی به حق می بیند در شعری می سراید: « قلب من گنجایش هر صورتی را پیدا کرده است، چراگاه غزالان است و صومعه راهبان. بتخانه اصنام است و کعبه حاجیان و الواح تورات و کتاب قرآن، من پیرو دین عشقم راهی که نافع عشق برود همان دین من است و ایمان من.<sup>۵۵</sup> »

عبدالکریم جیلی می گوید: « عارفان قطب و محور عالم امکان و کانون توجه و عنایت خداوند در این عالم و حتی مجلای تجلی خداوند در کل

رسانند و مسلمانان، همه پویندگان راه حق را نهایتاً مسلم می دانند.

۶. تکیه و تأکید بر اسم « هادی » خداوند در هدایت گری همه اقوام و پیروان همه ادیان

۷. ناخالصی امور عالم مبنی بر اینکه فهم آدمیان و مذاهب مختلفه دینی همیشه مخلوطی از حق و باطل است و هیچ حق ناخالصی در ادیان یافت نمی شود.

۸. خویشاوندی همه حقایق بطوری که همه حقیقت ها ساکنان یک ایوان و ستارگان یک کهکشاند.

۹. در بین ارزش ها و فضایل و آداب، تعارضی نازدودنی حاکم است، از این رو کثرتی واقعی و ریشه دار در اینجا وجود دارد.

۱۰. پلورالیسم علی، مبنی بر اینکه بیشتر دینداران، دینداریشان علت دارد نه دلیل، یعنی از راه اقامه ادله منطقی به حقانیت و ایمان نرسیده اند.

۳. کثرت گرائی از چشم اندازهای دیگر در این قسمت نگاه عارفان مسلمان و سنت گرایان به کثرت گرائی دینی بطور اجمالی از نظر خواهد گذشت و سپس دو دیدگاه نسبتاً جدیدتر در مورد نگرش اسلام در این زمینه معرفی می گردند.

۱-۳. کثرت گرائی از منظر عارفان مسلمان عارفان راه وصول به حقیقت را مکاشفه و کشف و شهود از راه دل می دانند و این امر حاصل نخواهد شد، مگر با طی طریق در سلوک الی الله و از آنجا که باطن و حقیقت و جوهر دین عارفان است و اسلام کامل ترین ادیان است، پس « عارفان اسلامی کامل ترین تأکید بر آن حکمت جاودانی است که در قلب اسلام و نیز در حقیقت، در قلب تمامی ادیان جای دارد.<sup>۵۶</sup> »

بنابراین تقسیم بندی سه گانه شریعت، طریقت و حقیقت، عارفان مسیر سیر از شریعت به حقیقت می باشد.

عارف در سیر خویش از عالم کثرت ها به سوی وحدت سیر می کند و از جزئی به کلی می رسد، و چون چشم وحدت بین می یابد تمامی صور جهان و نیز صور دینی را در پرتو وحدت حق مشاهده می کند و از این روست که بر شعار « الطرق الی الله بعدد الانفاس الخلاق » تأکید می ورزد و به هر کجا که نظر می کند بر طبق آیه « اینما تولؤ فثم وجه الله » راهی به سوی معبود می یابد. و چون مرکب عشق را رهوارترین و چالاک ترین مرکب می داند، با آن به سیر در عالم معنی و کسب معرفت می پردازد و از ظاهر به باطن می رود. از این رو « باطن گرائی در چشم انداز عارفان عمیق ترین مواجهه با سنت های دیگر را پدید آورده است و این حوزه ای است که امروزه می تواند زمینه لازم را برای فهم عمیق

ومذهبی باید بین دو امر تفکیک کرد: یکی شریعت ظاهری توده های مومنان و متدینان به آن دین که از آن به دین ظاهری هم می توان تعبیر کرد. دیگری طریقت باطنی عارفان آن دین و مذهب که دین باطنی تعبیر دیگری از آن است... اگر شرایع ظاهری ادیان و مذاهب مختلف را بایکدیگر بسنجیم می بینیم که هرگز وحدت ندارند، و مغایرت ها و بلکه تناقضات و تعارضات فراوانشان امری بدیهی است. اما از سوی دیگر اگر طریقت باطنی ادیان و مذاهب را در مدنظر بگیریم خود را با امر واحدی مواجه می بینیم. یعنی کنه دین باطنی در کران تا کران عالم ادیان و مذاهب یکی است.<sup>۶۰</sup> بر اساس این دیدگاه تمامی ادیان، مظاهر و تجلیاتی از ذات مطلق اند. در حقیقت ادیان مختلف تجلیات و ظهورهای گوناگون حق تعالی هستند و به همین دلیل تمامی آنها وحدت

جوهری دارند. به عبارت دیگر، هر کدام از ادیان بهره ای از حقیقت مطلق دارند در عین حال، این به معنای تساوی و تکافؤ ادیان نیست بلکه برعکس، ادیان دارای مراتب سطوح و شئون مختلفی هستند.<sup>۶۱</sup>

بر این نظریه چند اشکال وارد است که عبارتند از:

اول اینکه هرگاه ارزش هر دین را مطلق ارزیابی کنیم و در مجموع همه ادیان را طریقی رسیدن به حقیقت و دستگیری قلمداد کنیم با تعارضات میان ادیان دچار مشکل خواهیم شد. مثلاً تعارض بین اعتقاد تثلیث مسیحی و توحید اسلامی، از طرفی برای رفع مشکلاتی از این است سنت گرایان با دخالت و دست بردن در صورت یا معنای یک سنت موافق نیستند. و شکل گیری و تدوام یک سنت اصیل را بر اساس حکمت و اراده الهی می دانند، بنابراین هم تثلیث می تواند برای مسیحیان مقبول باشد و هم توحید و نفی تثلیث از سوی مسلمانان. نصر در این زمینه معتقد است که تفاوت در حقیقت، تفاوت در منظر است نه تفاوت در اصل واقع.

دوم اینکه با یکسان دیدن ارزش دین های مختلف و مطلق نسبی قلمداد کردن همه آنها، این ادعا که اسلام کامل ترین دین است مخدوش می شود. اما حقیقت این است که سنت گرایان هیچ گاه شعاع و تلالو ادیان مختلف را یکسان ندیده اند و هرگز انکار نمی کنند که گاهی یک طریقی معنوی از جهت رسیدن به حقیقت بر طریق دیگر برتری دارد. شاهدش مسلمان شدن شماری از آنها از جمله گنون (عبدالواحد یحیی) و شووان (عیسی نورالدین) است.

انتقاد سومی که بر این نظریه وارد شده است، مسأله تمایز میان ظاهر و باطن است مبنی بر اینکه اولاً باطن بدون ظاهر وجود ندارد و در

هر صورت باطن به رنگ ظاهر است و از آن متأثر است، بنابراین نمی توان از وحدت ادیان در جنبه باطنی آن ها سخن گفت. ثانیاً اگر باطن بر ظاهر ترجیح داشته باشد و دستیابی به باطن فقط در توان عده محدودی از برگزیدگان باشد، آنگاه توده مردم از رسیدن به باطن محروم می مانند و به درک وحدت متعالیه ادیان نایل نمی گردند.

در پاسخ به اشکال اول اگر باطن را دارای خصوصیت عدم تعین بدانیم و نپذیریم که باطن در هر صورت متأثر از ظاهر است انتقاد فوق مطرح نمی شود.

در پاسخ به اشکال دوم می توان گفت که طریق باطنی مانند همه امور دیگر نعمت و هدیه ای الهی است که به برخی عطا می شود و هیچ برتری اخلاقی و معنوی برای کسی اثبات نمی کند. تفاوت افراد در این است که هر کس از نعمت داده شده چگونه بهره مند می شود. بنابراین طریق باطنی نسبت به طرق ظاهری، از صحت و تقدس بیشتری برخوردار نیست.<sup>۶۲</sup>

به نظر نگارنده در پاسخ به این اشکال بهتر است گفته شود که دست یافتن به باطن دین و گوهر عرفان علاوه بر لطف حق بستگی به همت و طلب و جدیت در سلوک فرد دارد و تفاوت مراتب انسان ها بسته به میزان کسب معرفت باطنی است و نمی توان اولیاء عارفان دین را با عوام مؤمنان که در سطح ظاهر دین مانده اند هم رتبه دانست.

خلاصه کلام اینکه سنت گرائی در پرتو نگاه عرفانی به نوعی کثرت گرائی دینی نظر دارد که با کثرت گرائی جان هیک و پیروانشان تفاوت فراوانی دارد.

### ۳-۳. کثرت گرائی از دو منظر دیگر

در پایان این مقاله به دو نظریه دیگر به عنوان جدیدترین دست آوردهای نظری اسلامی در این باب اشاره می کنیم.

#### ۱. کثرت گرائی دینی غیر فروکاهشی

این نظریه را محمد لگنهاوزن در کتاب «اسلام و کثرت گرائی دینی» مطرح می کند و وی با طرح نظریه پلورالیزم دینی جان هیک که آنرا «کثرت گرائی دینی فروکاهشی» می نامد و نقد مفصل آن و بیان تعارض های آشکار این نظریه با اسلام به توضیح نظریه «کثرت گرائی دینی غیر فروکاهشی» که مقبول اسلام است می پردازد.

خلاصه ای از این نظریه را می توان اینگونه بیان کرد:

۱. این نگاه کاملاً توان درک تفاوت های مهم بین ادیان را دارد و می تواند تشخیص دهد که راه های مختلف رسیدن به کمال انسانی و سعادت نهانی به وسیله همه ادیان مختلف ارائه می شود. هر چه این ادیان باهم تفاوت داشته باشند. در عین حال در دام مبنی گرائی گرفتار نمی گردند.<sup>۶۳</sup>

۲. شناسایی دقیق وجوه مختلف کثرت گرائی دینی نجات شناختی، حقیقت شناختی و وظیفه شناختی و تفکیک هر یک از آنها و پذیرش نوعی کثرت گرائی دینی وظیفه شناختی در زمانی.<sup>۶۴</sup>

۳. همچون عارفان همه ادیان الهی رادارای باطنی یکسان می داند و تفاوت آنها را تفاوتی ظاهری در نظر می گیرد.<sup>۶۵</sup>

۴. از این نظرگاه مسلمانان هرگونه تفاوت واقعی بین ادیان الهی را انکار می کنند ولی قائل به تفاوت عقیدتی در میان معتقدان ادیان مختلف هستند و بر اهمیت آن تأکید می کند.<sup>۶۶</sup>

۵. اختلاف دینی، نه به عنوان یک ترجیح شخصی بلکه به عنوان ابزار وفاداری به جامعه ای که بر پایه بصیرت معنوی و ارزشیابی نقادانه استوار است محسوب می شود.<sup>۶۷</sup>

۶. کثرت گرائی غیر فروکاهشی اسلام با کثرت گرائی جان هیک و کثرت گرائی غیر انحصار گرای «رینز» با توجه به نقش جهل از سه جنبه قابل ملاحظه است: در دیدگاه غیر فروکاهشی هیچ تلاشی برای تفسیر اعتقادات به ظاهر متضاد صورت نمی گیرد. تا بشود برخی از توفقه های پنهان را آشکار کرد. به جای اینکه فرض کنیم نسبت به اعتقاد خود جاهل هستیم باید اعتراف کنیم که نسبت به چگونگی هدایت صادقین جاهل هستیم و نیز نسبت به این امر که چه نوع اعتقاداتی نتیجه جستجوی واقعی حقیقت است.<sup>۶۸</sup>

۷. آنچه در کثرت گرائی دینی جان هیک ارزشمند است تحمل و تساهلی است که به یک معنا به صورتی کاملتر در سنت اسلامی وجود دارد و می تواند به عنوان کثرت گرائی دینی غیر فروکاهشی مطرح شود.<sup>۶۹</sup>

### ۲. نظریه «پلورالیزم در دین» یا وحدت حقه دینی در تکرر واقعی ادیان:

این نظریه را دکتر سید حسن حسینی در کتابی تحت عنوان «پلورالیزم دینی یا پلورالیزم در دین» بیان می کند که به نوعی بر مبانی عرفان اسلامی و اندیشه سنت گرایان اسلامی نظیر دکتر نصر بنا شده است. وی ابتدا بطور مفصل به بررسی و نقد نظریه پلورالیزم دینی جان هیک و سپس به تبیین نظریه پلورالیزم در دین، از دیدگاه اسلام می پردازد. این نظریه از دیدگاه اسلام بر اصول هفت گانه ذیل استوار است:

اصل اول: وحدت حقه دینی، که همانا اسلام و تسلیم در برابر خداوند است، در تمامی ادیان الهی متجلی است.

اصل دوم: تعدد وحی الهی و تکرر واقعی ادیان، معلول تجلیات مختلف الهی در حقیقت واحد دینی است.

اصل سوم: ادیان مختلف الهی بایکدیگر مساوی نیستند و برخی از آنها نسبت به برخی دیگر افضل اند.

هیگ، صص ۳۰-۳۲.  
۲۸. لگنهاوزن، محمد، اسلام و کثرت گرای دینی، صص ۳۴-۳۷.  
29. John Hick: God and the universe of Faiths, p. 140.  
۳۰. مایکل پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ص ۳۸.  
۳۱. محمدی، مجید، بر بام های آسمان، مباحثی در دین شناسی تحلیلی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰، صص ۲۶۴.  
۳۲. جان هیگ، مباحث پلورالیسم دینی، ص ۴۱.  
۳۳. حسینی، حسن، پلورالیزم دینی، ص ۱۵۰.  
۳۴. همان، ص ۱۵۶.  
۳۵. لگنهاوزن، محمد، اسلام و کثرت گرای دینی، ص ۴۷.  
۳۶. مایکل پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، صص ۴۰۸ و ۴۰۹.  
۳۷. حسینی، سید حسن، پلورالیزم دینی، صص ۱۸۷ - ۱۸۹.  
۳۸. سبحانی، جعفر، کثرت گرای یا پلورالیزم دینی، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۳۸۱.  
۳۹. کتاب نقد، پاییز ۷۶، شماره ۴، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، چاپ پنجم، ۱۳۸۱، ص ۱.  
۴۰. مقاله: قرآنی متفاوت از پلورالیزم دینی، کتاب نقد، پاییز ۷۶، شماره ۴، ص ۷۷.  
۴۱. نصر، سید حسین، آموزه های صوفیان از دبروز تا امروز، ترجمه حسین حیدری و محمد هادی امینی، تهران، قصیده سرا، ۱۳۸۲، ص ۲۲۹.  
۴۲. همان، ص ۲۲۹.  
۴۳. عین القضاة همدانی، نامه ها به کوشش علی نقی منزوی و عنایت عصیران تهران، منوچهری - زوار، ۱۳۶۲، ج ۲، نامه شماره ۹۶.  
۴۴. عین القضاة همدانی، تمهیدات، تصحیح عنایت عصیران، تهران، منوچهری، ۱۳۷۳، ص ۲۵۸.  
۴۵. همان، صص ۲۲ و ۲۳.  
۴۶. همان، ص ۳۰۳.  
۴۷. ابن عربی، ترجمان الاشواق، چاپ نیکلسون، ص ۱۹.  
۴۸. عبدالکریم بن ابراهیم جیلی، الانسان الکامل فی معرفة الازخر و الاوائل، جزء ثانی، ص ۸۳.  
۴۹. مولوی، فیه ما فیه، صص ۹۷ - ۹۸.  
۵۰. شووان، فریتوف، گوهر و صدف عرفان اسلامی، ترجمه مینو حجت، تهران، نشر سهروردی، ۱۳۸۱، صص ۴۱ و ۴۲.  
۵۱. حسینی، سید حسن، پلورالیزم دینی.  
۵۲. کدیور، محسن و کرمی، طیبه، رابطه کثرت انسانیها با تعدد ادیان و ایده وحدت متعالیه ادیان در منظر سنت گرایان، فصلنامه اندیشه دینی، دانشگاه شیراز، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۸۳، صص ۱۳۱ - ۱۳۲.  
برای آشنایی بیشتر با سنت گرایان، ر. ک:  
- شووان، فریتوف، اسلام و حکمت خالده، ترجمه فروزان راسخی، تهران، هرمس، ۱۳۸۳.  
- نقد و نظر، ویژه سنت گرایان، شماره ۳ و ۴، تابستان و پاییز ۱۳۷۷.  
۵۳. لگنهاوزن، محمد، اسلام و کثرت گرای دینی، ص ۹۴.  
۵۴. همان، ص ۹۷.  
۵۵. همان، ص ۱۰۶.  
۵۶. همان، ص ۱۶۳.  
۵۷. همان، ص ۱۶۵.  
۵۸. همان، ص ۱۶۸.  
۵۹. همان، ص ۱۶۹.  
۶۰. حسینی، سید حسن، پلورالیزم دینی یا پلورالیزم در دین، صص ۲۸۶ - ۲۸۷.  
۶۱. همان، ص ۲۸۸.

پرتو این چشم اندازها دین صین اسلام در جهان کنونی با صدایی هرچه رساتر و با تصویری هرچه شفاف تر بر جهانیان نمایان شود و همه تشنگان وادی معرفت از این سرچشمه جوشان و زلال وحی الهی هرچه بیشتر بهره مند گردند.  
پی نوشتها  
1. Webster's third new International Dictionary, (G & C. Merriam C.O. 1981) p. 1754.  
۲. الیاده، میرچا، دین پژوهی، ترجمه بهاءالدین خرشماهی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵، ج اول، ص ۳۰۱.  
۳. پترسون، مایکل و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۹، ص ۴۰۶.  
۴. هیگ، جان، مباحث پلورالیسم دینی، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، تهران، تیاب، ۱۳۷۸، صص ۸۸ و ۸۹.  
۵. کامران، حسن، تکثر ادیان در بونه نقد، پژوهشکده فرهنگ و معارف، قم، دفتر نشر معارف اسلامی، ۱۳۸۲، صص ۴۲ - ۴۰.  
6. Philosophy Of Religion, Keith E. Yandell, Routledge, 1999, p. 67.  
به نقل از: امینی، علیرضا و محسن جوادی، معارف اسلامی، قم، دفتر نشر معارف اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۶۸.  
7. John Hick, ed. Problems of Religious Pluralism (New York: ST. Martin's Press, 1985), chaps.3 and 4.  
۸. مایکل پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ص ۴۰۲.  
۹. حسینی، سید حسن، پلورالیزم دینی یا پلورالیزم در دین، تهران، سروش، ۱۳۸۳، ص ۹۷.  
۱۰. الیاده، دین پژوهی، ص ۳۰۲.  
۱۱. جان هیگ، مباحث پلورالیسم دینی، ص ۶۵.  
۱۲. الیاده، دین پژوهی، ص ۳۰۲.  
۱۳. مایکل پترسون، عقل و اعتقاد دینی، ص ۴۰۲.  
۱۴. الیاده، دین پژوهی، ص ۳۰۲.  
۱۵. مایکل پترسون، عقل و اعتقاد دینی، صص ۴۱۵ و ۴۱۴.  
۱۶. حسینی، حسن، پلورالیزم دینی، ص ۱۰۶.  
۱۷. جان هیگ، مباحث پلورالیزم دینی، ص ۶۸.  
۱۸. لگنهاوزن، محمد، اسلام و کثرت گرای دینی، مترجم نرجس جواندل، قم مؤسسه فرهنگی طاهرا ۱۳۷۹، ص ۱.  
۱۹. همان، ص ۱۸.  
۲۰. همان، صص ۱۶ و ۲۰.  
22. John Hick, God and The universe of Faiths, (Macmillan Press, 1988), pp. 131-130.  
به نقل از: حسینی، سید حسن، پلورالیزم در دین، ص ۲۵.  
۲۲. قدردان ملکی، محمد حسن، کندوکاوی در سویه های پلورالیزم، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۷۸، صص ۱۴-۱۷.  
۲۳. لگنهاوزن، اسلام و کثرت گرای دینی، ص ۴۶.  
24. Quinn, Phillip L. (1988) «Religious Pluralism», in Edward Craig (ed) Routledge Encyclopedia of Philosophy, p. 280.  
این مطلب در کتاب معارف اسلامی ۲ نیز آمده است.  
۲۵. حسینی، حسن، پلورالیزم دینی، ص ۲۸.  
۲۶. برگرفته از: ارشاد محمد رضا، فروتنی در پیشگاه حقیقت دینی (مروری بر اندیشه های جان هیگ)، مجله اخبار ادیان، سال اول، شماره ۵، دی ۸۲، صص ۲۹-۳۲.  
- هیگ، جان، فلسفه دین، مترجم بهزاد سالکی، تهران، انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۷۶، صص ۲۰۱.  
۲۷. ارشاد، محمد رضا، مروری بر اندیشه های جان

اصل چهارم: خاتمیت دین اسلام مستلزم کمال این دین و جهانی بودن آن است.  
اصل پنجم: خاتمیت دین اسلام به معنای نسخ حقایق و باورهای دینی سایر ادیان الهی نیست.  
اصل ششم: ایمان دینی، نتیجه اعتقاد و تسلیم به حقایق دینی (کلام و گزاره های دینی) و شرایع دینی (فقه و انشانات دینی) است.  
اصل هفتم: پلورالیزم نجات در رستگاری ادیان، لازمه پلورالیزم حقایق دینی است.  
مؤلف در خصوص وجه تسمیه این نظریه چهار مورد را بیان می کند:  
۱. این نظریه اعتقاد به تکثر دینی ندارد، بلکه اعتقاد آن بر این است که تکثر در دین (که همانا امری واحد و حقیقی است) واقع شده است. در تکثر دینی دین امری متکثر شناخته شده، اما در «تکثر در دین» دین به عنوان امری واحد متکثر گردیده است.  
۲. این نظریه متناظر با نظریه فلسفی «کثرت در وحدت و وحدت در کثرت» وحدت دینی در کثرت ادیان و کثرت دینی در وحدت ادیان می باشد.  
۳. این نظریه بر کلمه دین و آنچه از آن مراد می شود استوار است و حقیقت دین اصل و مبنای این نظریه به شمار می رود.  
۴. خاستگاه نظریه پلورالیزم دینی با مفاهیم و معانی خاص خود، مسیحی و غربی است و این نظریه با نظریه «پلورالیزم در دین» که از خاستگاهی الهی ناشی شده، تفاوت ماهوی دارد.  
**نتیجه**  
مخلص کلام و حاصل این مقاله این است که مبنای نظریه کثرت گرای یا پلورالیزم دینی جان هیگ که زاییده فضای فلسفه دین و کلام مسیحی است، و ظهور آن دارای علل و دلایل خاص تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است، جنبه های دیگری نیز دارد که با برخی مبنای نظری اسلام قابل تطبیق می باشد، مانند نظریه نجات و رابطه مسالمت آمیز پیروان ادیان.  
کثرت گرای دینی از منظر عارفان اسلامی و سنت گرایان پیرو دیدگاه حکمت خالده نیز مورد بررسی واقع شد. در پایان دو نظریه جدید اسلامی در این حوزه تحت عنوان «کثرت گرای دینی غیر فروگاهشی اسلام» از محمد لگنهاوزن و «پلورالیزم در دین» از دیدگاه اسلام از سید حسن حسینی معرفی گردید که هرچند هر دو نظریه با کثرت گرای جان هیگ تفاوت های اساسی دارند اما با نظریه انحصارگرایی نیز متفاوت می باشند و همچنین با شمول گرای امثال رینر تفاوت دارند. به همین دلیل هر دو نظریه مزبور نام کثرت گرای را بر خود دارند اما با تعریف و نگرشی دیگر، امید است که در